

روایت هایی درباره ورود تلفن همراه به شهر که تاریخی ۳۰ ساله دارد

وقتی مشهد تا خواجه اباصلت آتن داشت



لیلا کوچکزاده

مشهدی‌ها ۱۰۳ سال پیش، صاحب تلفن ثابت و نزدیک به ۳۰ سال قبل، هم‌زمان با چند شهر ایران، موبایل‌دار می‌شوند. درواقع گوشی و خط در ساختاری واحد با نام موبایل در دهه ۷۰ به ما

معرفی، در دهه ۸۰ فراگیر شد و در این برهه از تاریخ که ایستاده‌ایم، در زندگی ما ریشه‌دوانده است؛ به‌طوری‌که اگر نباشد، احساس فلج‌بودن می‌کنیم. امروز، روز اختراع تلفن همراه در جهان است. ۴۹سال پیش در چنین روزهایی، مارتین کوپر، یکی از مدیران شرکت موتورولا، اولین

تماس تلفنی را با موبایل برقرار کرد. طول این گوشی بی‌سیم، ۲۵سانتی‌متر و وزن آن، حدود یک کیلوگرم بود. این حکایت در مشهد اما ۳۰ ساله‌است؛ مشهدی‌هایی که‌نخستین‌گوشی‌های واردشده به‌بازار را در دست گرفته‌اند، حالا درباره آن گوشی‌ها که‌از قضا اسباب‌مباهات و فخر فروشی

- گوشی‌هایی که اندازه یک آجر بود!

اولین گوشی‌ها و سیم کارت‌های مشهد را در اوایل دهه ۷۰، مخابرات با قیمت حدود ۴۶۰هزار تا ۶۰۰هزار تومان به‌صورت‌ثبت‌نامی‌واگذار می‌کرد. این عدد درباره‌راتا ۳تا میلیون و ۳۰۰هزار تومان هم می‌رسید، این جملات را بین حرف‌های آقای شیرین‌زاده، یکی از کسبه قدیمی خیابان آبکوه، می‌شنویم. او می‌گوید: با این عدد همان زمان می‌شد در منطقه‌ای خوب از مشهد خانه خرید. آن‌طور که شیرین‌زاده می‌گوید، وقتی اولین موبایل به مشهد آمد، گزارش آن، عکس روی جلد روزنامه خراسان شد: یک خودرو ۴۰۵ بعد از چهارراه شهدا به‌سمت حرم مطهر ایستاده است. یک موبایل هم در محل رادیو ضبط ماشین نصب است. روزنامه خراسان هم می‌نویسد: «اولین موبایل در مشهد واگذار شد».

او این نکته را هم به صحبتش اضافه می‌کند که اولین گوشی‌های همراه بیشتر از خواجه اباصلت آتن نمی‌داد.

امیرعباس قندچی، شهروند مشهدی، نیز می‌گوید: سال ۷۶ سیم کارت گرفتم. فکرش را بکنید، آن زمان آن قدر این‌موضوع مهم بود که دونفر از اداره مخابرات، گوشی را برایم آوردند و تحویل دادند. گوشی اندازه یک آجر بود. نصفه‌آجری هم پشتش داشت که باتری یدکی‌اش بود که دوبار بر گوشی‌های الان بود! مارکش «ساجن» بود، مربوط به کارخانه صایران. سیم کارت و گوشی را به‌ما تحویل دادند و ما ذوق و شوق امتحانش کردیم. اکثر خط‌ها هم آتن نمی‌داد.

مهدی سوداوری هم خاطره‌ای از سال ۱۳۷۶ دارد، همان زمانی که تازه گوشی‌ها آمده و به قول او به‌اندازه تلفن‌های بیسیم داخل خانه بودند. او می‌گوید: پدر

پیجر در رقابت با موبایل

پیش‌از فراگیرشدن موبایل در مشهد و توافق می‌افتد. دو شرکت برای فروش دستگاه و سیم‌کارت‌های خود با قیمتی ارزان پیشدستی می‌کنند. این موضوع را آقای شیرین‌زاده در خاطر دارد، چون خودش از کسانی بوده‌است که هر دو خط و دستگاه را خریداری می‌کند. می‌گوید: سال ۱۳۷۸ در مشهد یک شرکت که از جدی شدن داستان موبایل بیمناک بود، تبلیغات گسترده‌ای برای فروش پیجرهایش که کار بردشان در بیمارستان بود، انجام داد. تصور مردم از موبایل در آن زمان، همین پیجرها بود. زمانی که قیمت خط

نگاهی به تاریخ گوشی‌های همراه در ایران

یازده دو صفر دوست‌داشتنی

۱۹مرداد سال ۱۳۷۳ روز بهره‌برداری از اولین فاز شبکه تلفن همراه در کشور است. این روز شرکت ارتباطات سیار ایران با نام تجاری «همراه اول» در تهران با ظرفیت ۹۲۰۰شماره، بهره‌برداری را شروع می‌کند. درواقع بهره‌برداری با واگذاری چهار سیم‌کارت به‌نهاده ریاست‌جمهوری، شکل رسمی به خود می‌گیرد.

وزیر پست و تلگراف و تلفن در دوره ریاست‌جمهوری مرحوم هاشمی‌رفسنجانی، سیدمحمدغرضی است. یکی از افتخارات جناب غرضی در مناظرات ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۸۸ این عنوان شد که موبایل را به ایران آورده‌است و اگر رئیس‌جمهور شود، نسل‌های بعدی‌اش راه‌هم خواهد آورد. در هر صورت به‌دنبال استقبال بی‌نظیر و غیرمنتظره مشترکین از

این فناوری، شرکت مخابرات ایران، درصدد گسترش پوشش آن از تهران به کل کشور برآمد، به‌طوری‌که در پایان سال ۸۲، این شبکه دارای ۳میلیون و ۴۵۰هزار مشترک بود که

این عدد امروز به حدود ۱۲۴میلیون

سیم‌کارت متعلق به این شرکت رسیده است.

اما در دهه ۷۰ که موبایل به ایران وارد شد، ۲۰سال از رواج و گستردگی استفاده از آن در جهان می‌گذشت. نوکیا اولین شرکتی بود که گوشی تلفن همراه را به ایران آورد. پس از آن شرکت‌های ژیمسنی، الکتال، اریکسون و صا ایران در این زمینه

این فناوری، شرکت مخابرات ایران، درصدد گسترش پوشش آن از تهران به کل کشور برآمد، به‌طوری‌که در

پایان سال ۸۲، این شبکه دارای ۳میلیون و ۴۵۰هزار مشترک بود که

این عدد امروز به حدود ۱۲۴میلیون

سیم‌کارت متعلق به این شرکت رسیده است.

اما در دهه ۷۰ که موبایل به ایران وارد شد، ۲۰سال از رواج و گستردگی استفاده از آن در جهان می‌گذشت. نوکیا اولین شرکتی بود که گوشی تلفن همراه را به ایران آورد. پس از آن شرکت‌های ژیمسنی، الکتال، اریکسون و صا ایران در این زمینه



گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت چهارم)

تاریخ مستطاب نوغانیه (۱)

مرضیه ترابی

نوغان در تاریخ مشهد، نامی شناخته‌شده‌است؛ مرحوم ملک‌الشعرای بهار در تصحیح «تاریخ سیستان»، درباره این نام می‌نویسد: «نوغان، به فتح نون و اخیراً آن را با غین [نوغان] می‌نویسند، از قراء معظم طوس بوده و اکنون یکی از محلات عمده شهر مشهد می‌باشد، می‌توان گفت که اراضی اطراف نوغان، بعد از شهادت امام‌رضا(ع) به بستری برای شکل گرفتن مشهد تبدیل شد و البته با توسعه این شهر، به‌عنوان نام یکی از محلات، در حافظه تاریخی مشهد باقی ماند. برخی معتقدند که این نام را باید قدیمی‌ترین نام یک محله همچنان‌زنده در ایران بدانیم؛ نامی که هنوز تغییر نکرده‌است و به حیاتش ادامه می‌دهد.

تاریخ شکل گرفتن شهر نوغان و طبعاً، محله‌ای که بعدها در گستره شمال و شمال‌شرق مشهد به بقای خودش ادامه داد، قطعاً به پیش از ورود اسلام به ایران بازمی‌گردد، یعنی وقتی در محله نوغان، حالا در هر جای آن، قدم می‌زنید، با آنکه نمی‌توانید بعد از کلی تلاش، رد و نشان بیشتر از ۳۰۰، ۴۰۰سال پیدا کنید، اما می‌توانید در ذهنتان، بروید به ۱۵۰۰ یا ۱۶۰۰سال قبل و فرض کنید در یک فضای باستانی قرار گرفته‌اید. ممکن است بپرسید: خب! ویژگی‌های این فضای باستانی چیست؟ نوغان قدیم چه شکلی بوده‌است؟ اصلاً چرا به این منطقه نوغان می‌گویند؟ برای پاسخ به سؤالات و درک تاریخی عبور نوغان از شهر به محله‌ای در مشهد، باید اول برویم سراغ تاریخچه این نام.

- درباره مفهوم «نوغان»

شهر یا محله نوغان، هیچ ربطی به گرم ابریشم و تولید محصولات ابریشمی ندارد؛ این‌را همین اول می‌گویم و آب پاکی را می‌ریزم روی دستتان. بد نیست بدانید که تا پایان عهد قاجار، در هیچ فرهنگ لغت فارسی، نوغان را به‌معنای گرم ابریشم، پیله یا فراورده‌های مربوط به آن نگرفته‌اند. البته رد و نشان استفاده از نوغان در این معنا را می‌توان در سفرنامه‌های دوره قاجار گرفت، مثلاً «سفرنامه میرزا ابراهیم» (سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان)، اما مطمئناً نوغان موردنظر ما، این نوغان نیست.

درباره معنای نوغان موردنظر ما، چند دیدگاه وجود دارد که به‌اعتقاد من، این یکی بهتر از همه است؛ در برخی منابع لغوی داریم که «نو»، مخفف ناو و به‌معنای آبراهه، جوی، نهر و دره سبز است و «گان» که در نام نوغان، به «غان» تغییر شکل داده را هم باید «پسوند انصاف، بگیریم. به‌عبارت دقیق‌تر، می‌توان با فرض چنین معنایی، دلیل نام‌گذاری نوغان را وجود دره‌های سرسبز و نهرهای پرآب در اطراف آن دانست؛ یعنی که مشهد امروزی، روزگاری سرزمینی سرسبز، پردرخت و صاحب نهرهای پرآب بوده‌است. لابد می‌پرسید اگر این حرف راست باشد، پس چرا در طول تاریخ، کم‌آبی همیشه یکی از مشکلات اصلی شهر مشهد محسوب می‌شده و البته می‌شود. در پاسخ باید دو نکته را مدنظر قرار داد، یکی تغییرات اقلیمی که همیشه وجود داشته‌است و حتی ما هم در دوره خودمان شاهد آن هستیم و دیگر اینکه افزایش بسیار سریع جمعیت در مشهد و تطابق نداشتن زیرساخت‌ها با نیازها هم می‌تواند دلیل دیگری برای مشکل کم‌آبی شهر مشهد باشد که شاید درباره‌اش یک‌بار مفصل صحبت کنیم. از این‌ها که بگذریم، رد و نشان این معنا برای نوغان را، تا همین یک قرن قبل، یعنی سال ۱۲۵۱خورشیدی، می‌توان در برخی متون تاریخی و غیرتاریخی پیدا کرد؛ امیرنظام همدانی در «گزارش سرخس» که آن را در سال ۱۲۵۶خورشیدی به رشته تحریر درآورد، تصریح می‌کند که ایرانیان نواحی سرخس و مرو به نهر و آبراهه، «نوغانه»، می‌گویند و این می‌تواند شاهی برای تأیید ادعایی باشد که عرض کردم.

البته گزارش به‌چندان مستند ابودلف یسنوعی در قرن چهارم هجری‌را نیز که مدعی‌است خم‌بدن فقطبه باغ‌ها و قصرهای متعددی بیرون از نوغان و نزدیک روستای سناباد داشت و پیکر مطهر امام‌رضا(ع) در یکی از این باغ‌ها دفن شد و البته این باغ‌ها بسیار بزرگ و از حیث وسعت بی‌نظیر بودند، می‌توان به عنوان یک شاهد، مدنظر قرار داد.

- اتصال نوغان و مشهد

نوغان قدیم، شهری بزرگ بوده‌است. مهدی سیدی، خراسان‌پژوه، در کتاب «تاریخ شهر مشهد»، این موضوع را تصریح می‌کند که نوغان، دست‌کم تا کمی‌پیش از نگارش شاهنامه فردوسی در قرن چهارم، همچنان نخستین شهر بزرگ در منطقه طوس بود. اما بعداز مدتی، این‌مقام اولی را به طابران واگذار کرد. یاقوت حموی در کتاب کمتر شناخته‌شده «المشترک وضعاً و المقتصر صقعه»، آورده‌است که طوس هم گفته می‌شود(است بخش، قسمتی از مملکت، خُره خوره هم گفته می‌شود) است و قصبه آن طابران و نوغان است و بیش از هزار دیه (ده) دارد، در نظر گرفتن هزار روستا برای دو شهر طابران و نوغان (احتمالاً هر کدام حدود ۵۰۰روستا)، شاید کمی غلوآمیز باشد، اما نشان می‌دهد که در زمان حیات یاقوت حموی، یعنی اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم و احتمالاً پیش‌از هجوم مغولان، نوغان همچنان مصفا و صاحب باغ‌ها و روستاهای آباد و متعدد بوده است.

حسن بن احمد مهلبی (درگذشته سال ۳۸۰قمری)، در کتاب «مسالك و ممالك، خود، نوغان را از بزرگ‌ترین شهرهای خراسان می‌داند که مرقد مطهر امام‌رضا(ع) در خارج از آن قرار داشته‌است. اصطخری نیز در کتاب «مسالك و ممالك، خود می‌نویسد که حرم مطهر رضوی در زمان وی، یعنی اوایل قرن چهارم هجری و حدود یک قرن بعداز شهادت امام‌رضا(ع)، به فاصله چهار فرسنگی از شهر نوغان بوده است. این فاصله البته باتوجه‌به شناخت ما از جغرافیای نوغان، کمی زیاد به نظر می‌رسد، اما نشان می‌دهد که در ابتدای کار، مشهد جایی مستقل از نوغان بود و چون می‌دانیم که این شهر در گذر زمان، جایگاه و استعداد اقتصادی و سیاسی خود را از دست داد، باید بگوییم که پیوستن نوغان به مشهد، در پی توسعه مشهد رقم خورد، نه توسعه شهر نوغان. یعنی این مشهد بود که از نظر وسعت، گسترش یافت و به تدریج نوغان را هم در بر گرفت.

ادامه دارد ...



شهریار

اشنبه
۲۱ شهریور ۱۳۹۱
شماره ۱۴۸۵
SHAHRAANNEWS.IR



تاریخ و هویت